

تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

(مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)

* دکتر محمود علمی

** خدیجه تیغ‌زن

چکیده

خشونت نوجوانان از جمله مشکلات عمده جامعه می‌باشد که امروزه در حال افزایش است. خشونت نوجوانان به عنوان یک مسئله اجتماعی همانند سایر مسائل اجتماعی دیگر تحت تاثیر عوامل مختلفی است. در این تحقیق نیز به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان پرداخته‌ایم، که در آن از تئوری‌های روانشناسی اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی استفاده شده است. این تحقیق به صورت پیمایشی و به کمک ابزار پرسشنامه روی ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان عجبشیر و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک اجرا شده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای عدم دلبستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزهکار، عدم پای بندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، سخت‌گیری والدین با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنی‌داری داشتند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که متغیرهای بدرفتاری والدین، عدم دلبستگی به والدین، نظارت والدین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت گروهی، دوستان بزهکار و پایبندی به دستورات اخلاقی در تبیین میزان خشونت دانش‌آموزان سهم عمده‌ای داشته‌اند. مقدار تبیین به دست آمده ۵۱٪ می‌باشد.

واژگان کلیدی: خشونت، داشتن همالان بزهکار، بدرفتاری والدین، نظارت

والدین، پایگاه اقتصادی و اجتماعی.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

بیان مسئله

خشونت جزو مسایل اجتماعی حاد به شمار می‌رود که در تمام مناطق جغرافیایی و در میان تمام گروه‌های دینی، نژادی و در تمام سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا من جمله اسمیت و شارپ^۱ (۱۹۹۵)، اولوئوس^۲ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که خشونت در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است و شامل طیفی از اعمال عمدی خشن جسمی، روانی، عاطفی و کلامی می‌باشد که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود برجای می‌گذارد. در جامعه‌ی امروز به دلایلی چون گسترش فقر، عدم توجه به مسائل معنوی و انسانی گرایش به خوشگذرانی‌ها، سقوط خانواده و ارزش‌های تربیتی و بالاخره گسترش ماشین‌ساز سبب بدبینی و ترس از آینده و در نهایت خشونت و پرخاشگری شده است.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ رفتارهای نابهنجار نوجوانان با چگونگی روش‌های اجتماعی کردن خانواده‌ها مقاله حاضر شاید بتواند گامی هر چند کوچک در حوزه‌ی آسیب‌شناسی انحرافات اجتماعی بردارد و به مثابه زمینه‌یابی برای مطالعات تجربی گسترده‌ی دیگر باشد.

تعریف مفهومی خشونت

آربلاستر^۳ می‌گوید عمل خشونت‌آمیز آن چیزی است که در بردارنده صدمه، آسیب یا خسارت به انسان یا غیرانسان و یا یک شیء باشد (Bassant, 1999: p.6). گلاسر (۱۹۹۹) معتقد است خشونت در بردارنده مجموعه عامل جرم و قربانی است و بنابراین ممکن است به عنوان یک پاسخ جسمانی به شخص دیگری تعریف شود.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان خشونت را به انواع زیر تقسیم‌بندی نمود:

1- Smith & Sharp
2- Olweus
3- Arblaster

- ۱- خشونت جسمانی: شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه‌زدن، بریدن، لگزدن، سیلی‌زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه استفاده از اشیایی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق به وجود آید.
- ۲- خشونت عاطفی: خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی به عنوان لفظی که در آن یک فرد بزرگسال به خودپنداره شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند، تعریف شده است، که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می‌شود.
- ۳- خشونت جنسی: عبارت از این که بزرگسالان یا بچه‌های بزرگتر از یک کودک برای ارضای جنسی استفاده کنند، که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی یک کودک یا تقاضا نمودن از کودک که یک بزرگسال را به طریق جنسی لمس کند. اشکال غیرتماسی نیز شامل در معرض نمایش قرار دادن آلات جنسی در مقابل کودک یا عکس‌های مستهجن از کودکان گرفتن و ... است (رسول‌زاده اقدم، ۱۳۸۱: ۷).

نظریه‌های مربوط به خشونت

نظریه یادگیری اجتماعی^۱: براساس این دیدگاه رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره دارد. باندورا مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرآیند الگوسازی فراگرفته می‌شوند. برگس و اکرس نیز یادگیری رفتار کجروانه را عمدتاً از طریق فرآیندهای تقویت و مکانیسم‌های اساسی آن یعنی تشویق و تنبیه مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران آموخته می‌شود (رئیسی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). تارد نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تأثیر مدلها و نمونه‌ها می‌باشند. او می‌گوید که

1- Social Learning Theory

تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط بین افراد حاکم است (Reid, 2000). ویلسون و هرنشتاین، محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای کجروانه یا (خشن) به حساب می‌آورند (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶: ۴۱۱). بنابراین براساس دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان گفت که خانواده‌هایی که در آن والدین با هم اختلاف دارند، شیوه‌های تربیتی و انضباطی خشن و خشک داشته، با بچه‌ها بدرفتاری می‌کنند فرزندان شان نیز احتمال بیشتری دارد که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شوند. هم چنین داشتن همسالان بزهکار و رابطه با آنها و تنبیه در مدرسه احتمال خشونت آنها را افزایش می‌دهد.

نظریه کنترل اجتماعی

به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود (مشکاتی و دیگری، ۱۳۸۱: ۱۲). از نظر وی درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از طرف افراد به میزان پیوستگی آنها با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوندها از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. هیرشی چهار عنصر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد جامعه به یکدیگر بر شمرده که موجب جلوگیری افراد از ارتکاب بزه خشونت و جرم می‌گردد. این چهار عنصر عبارتند از: ۱- دلبستگی یا تعلق خاطر به خانواده، دوستان و جامعه ۲- تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه ۳- مشارکت و درگیر بودن در فعالیت روزمره ۴- اعتقادات و باورهای فرد به قواعد اخلاق و اجتماعی.

نی نیز بزهکاری را حاصل شکست کنترل‌های اجتماعی هر فردی می‌داند. از نظر او کنترل اجتماعی شامل کنترل‌های مستقیم اعمال شده از طریق ابزارها و وسایل بازدارنده و مجازات‌ها، کنترل درونی یا آن چه که وجدان نامیده می‌شود،

کنترل غیرمستقیم مرتبط با سیمای ظاهری و رفتار والدین و دیگران نیز ابزارهای مشروع و قابل دسترس ارضای نیازها را شامل می‌شود (رئسی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).
والتر رکلس معتقد است که همنوایی فرد با گروه و جامعه امری طبیعی و براساس تمایل درونی او نیست و صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می‌گیرد. رکلس در تئوری خود دو نوع عوامل محدودکننده تحت عنوان محدودکننده‌های بیرونی یا کنترل بیرونی و محدودکننده‌های درونی یا کنترل درونی را مطرح کرده است که به عقیده او دلبستگی موجب اجتناب فرد از کجروی خواهد شد. البته او متذکر می‌شود که تعلق و دلبستگی فرد به یک گروه بزهکار نیز احتمال خشونت او را افزایش می‌دهد (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶: ۴۰۵). بنابراین با توجه به نظریه‌های کنترل اجتماعی می‌توان گفت که عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، دلبستگی پایین فرزندان به والدین، پایین بودن کنترل اجتماعی غیررسمی در میزان بروز رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان مؤثر می‌باشند.

نظریه فشار

نظریه‌های فشار مدعی هستند جرم تابعی از تضاد بین اهداف و ابزارهایی است که مردم می‌توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آنها استفاده کنند. دورکیم از پیشگامان نظریه فشار، نظریه آنومی را برای تبیین جرم و کجروی فرمول بندی نمود. از نظر او آنومی زمینه‌ساز مختلف ناهنجاری‌های اجتماعی است (رئسی، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

مرتن معتقد است وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

اگینز معتقد است که ارتکاب جرم فرد نتیجه مستقیم حالات منفی مؤثر از قبیل عصبانیت، ناکامی، افسردگی، ناامیدی و ترسی است که این عوامل خود نتیجه شکست در دستیابی به اهداف، گسست بین انتظارات و دستاوردها، حذف

محرك مثبت يا خوشايند و وارد كردن يك محرك منفي يا ناخوشايند است (سليمي و ديگري، ۱۳۸۰: ۴۳۳).

كوهن نيز در نظريه خود با عنوان ناکامي منزلتي، كجروي را به پايگاه اجتماعي و طبقات منسوب مي‌كند و منشأ اين رفتارها را عدم دسترسي به اهداف مورد قبول جامعه مي‌داند (همان منبع: ۴۳۳). بنا بر اين با توجه به نظريه فشار مي‌توان گفت كه پايگاه اقتصادي - اجتماعي پايين والدين دانش‌آموزان، ناکامي عملكرد تحصيلي پايين در ارتكاب خشونت و رفتارهاي خطرناك تأثير عمده‌اي دارند.

نظريه منابع

اين نظريه بر محروميت اقتصادي - اجتماعي افراد تأكيد نموده و مي‌گويد افرادي كه از محروميت اقتصادي - اجتماعي برخوردارند براي يادگيري رفتار خشونت‌آميز مستعدترند (احمدي، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

نظريه مبادله

اين نظريه در صدد است كه اصول رفتارگرابي را دربرگيرد و پس از درآميختن آنها با اندیشه‌هاي ديگر، در مورد مسايل مورد علاقه جامعه‌شناسان به كارشان ببندد. از ديدگاه هومنز كنشگر يك سودجوي عاقل است. وي در مورد آگاهي معتقد بود كه نياز به روان‌شناسي بسيار توسعه يافته‌تر است. هم‌چنين او به اين نتيجه رسيد كه فراگردهاي تبادلتي در سطوح فردي و اجتماعي يكي‌اند. هرچند قبول داشت كه در سطح اجتماعي شيوه تركيب اين فراگردهاي بنيادي، پيچيده‌تر است (ريتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۲).

نظريه‌هاي اکولوژيكي

نظريه‌هاي اکولوژيكي به تأثير عوامل محيطي و اجتماعي اشاره مي‌کنند و معتقد هستند كه عوامل متعدد و اجتماعي از قبيل محيط‌هاي خانوادگي، گروه همسالان، هنجارهاي اجتماعي، ويژگي‌هاي جمعيتي و عوامل فردي در خشونت افراد موثر مي‌باشند. براساس اين ديدگاه تضادهاي اجتماعي خود ناشي از

نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی است که در آن مردم به هر دو دسته فقیر و ثروتمند تقسیم می‌شوند (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶).

تئوری تعاملی تورنبری

این دیدگاه ترکیب نظریه‌های یادگیری و کنترل اجتماعی است که تلاش می‌کند توانایی جمعی آنها را برای تبیین رفتار بزهکارانه فزونی بخشد. تئوری تعاملی مدعی است که جوانان بزهکار نظام باورهایی را شکل می‌دهند که با شیوه زندگی انحراف آمیزشان سازگار است. آنها در جستجوی کسانی هستند که علایق مشترکی داشته باشند و رفتار بزهکارانه‌شان را تأیید کنند (Siegel, 2001: p.311).

رهیافت فعالیت روزمره

یکی از رهیافت‌های ساختاری-اجتماعی مهم برای تبیین جرم و خشونت، رهیافت فعالیت روزمره است که توسط لارونس کوهی، فیلسون و هیندلینگ ارائه شده است. این محققان معتقدند که جرم و بزهکاری از ترکیب سه عنصر ناشی می‌گردد. ۱- مجرمان برانگیخته ۲- اهداف مناسب بزهکاری ۳- فقدان سرپرستان لایق، توانا و کارآمد (سلیمی و دیگری، ۱۳۸۶: ۳۸۳).

براساس این رهیافت می‌توان گفت که همان متغیرها و عواملی که بر خورداری فرد از مزایای زندگی را افزایش می‌دهند، فرصت‌های وقوع خشونت را هم بیشتر می‌کنند و این مخالف تئوری آنومی و فشار است که در آنها عقیده بر این بود که عدم دستیابی به اهداف و فشار و ناکامی موجب بزهکاری فرد می‌شود.

مدل توسعه اجتماعی

این مدل تئوری‌های کنترل، یادگیری اجتماعی و پیوند افتراقی را با هم تلفیق کرده است از جمله کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند جوزف وایس، ریچارد کاتالانو و جی دیوید هاوکینز هستند. براساس این مدل شماری از عوامل خطرزای سطح اجتماع بعضی از افراد را برای ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی و

چه رفتارهای اجتماعی‌پسند را از عواملان اجتماعی کردن از قبیل خانواده، مدرسه، مذهب و دیگر نمادهای عمومی و گروه همسالان یاد می‌گیرند. براساس این مدل نوجوانان و جوانان از طریق فرآیندهای زیر در ساختار جامعه، جامعه‌پذیر می‌شوند: ۱- فرصت‌های فراهم شدن برای درگیری در فعالیت‌ها و تعامل با دیگران ۲- میزان این درگیری‌ها و فعالیت‌ها ۳- مهارت‌ها و توانایی شرکت در این تعاملات ۴- تقویت وضع موجود برای آگاه شدن از مشارکت شان در فعالیت‌ها و تعاملات (Herrenkol, 2001: p.47).

براساس این مدل رفتار ضداجتماعی بچه‌ها، به کیفیت دلبستگی شان با والدین و دیگران مهم بستگی دارد. اگر آنها به والدین دلبستگی نداشته باشند و در عوض دلبستگی شان را با کسانی که منحرف هستند، بیشتر کنند ممکن است رفتارهای انحرافی از خود نشان دهند.

هدف‌های پژوهش

هدف‌های این پژوهش را تحت عناوین هدف‌های کلی و جزئی می‌توان بیان کرد.

هدف کلی: تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان عجبشیر.

هدف‌های جزئی: ۱- تعیین ارتباط بین عوامل اجتماعی (باور به دستورات اخلاقی، داشتن همسالان بزهکار و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر.

۲- تعیین ارتباط بین عوامل خانوادگی (دلبستگی به والدین، نظارت والدین، بدرفتاری والدین و سخت‌گیری آنها، تضاد والدین) و خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر.

تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
(مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)

۳- تعیین ارتباط بین عوامل محیط مدرسه (تنبیه در مدرسه، بی‌عدالتی در مدرسه، مشارکت گروهی در مدرسه) و خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر عجبشیر.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین عوامل اجتماعی و میزان خشونت دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان عجبشیر رابطه وجود دارد.
- ۲- بین عوامل خانوادگی و میزان خشونت دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان عجبشیر رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عوامل محیط مدرسه و میزان خشونت دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان عجبشیر رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی^۱ و چون در یک مقطع زمانی معین صورت گرفته یک مطالعه مقطعی^۲ می‌باشد. از آن جا که روی یک جمعیت نمونه معرف انجام می‌گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری داده‌ها فراهم شود یک تحقیق پهنانگر می‌باشد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جمعیت مورد بررسی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه می‌باشد که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ تعداد آنها ۱۱۱۸ نفر می‌باشد که از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران حدود ۳۷۵ نفر نمونه انتخاب شده است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است.

1- Survey
2- Corss Sectional

نحوه سنجش سازه‌ها^۱

خشونت دانش‌آموزان: خشونت دانش‌آموزان در سه بعد اصلی خشونت لفظی، فیزیکی ملایم و فیزیکی شدید طراحی شدند. بطوری که خشونت ملایم با سه گویه، خشونت فیزیکی با چهار گویه و خشونت فیزیکی شدید با ۷ گویه سؤال که هر کدام نیز در مقیاس رتبه‌ای ۶ درجه‌ای طراحی شده بودند، سنجیده شد و طبق فرمول زیر جمع نمرات گویه‌ها نمره‌ای را به دست می‌دهد که در دامنه‌ی صفر تا ۱۰۰ متغیر است. یعنی صفر عدم خشونت و ۱۰۰ خشونت کامل در دانش‌آموزان تلقی شده است.

میزان خشونت =	تعداد سئوالات - مجموع گویه‌ها	×۱۰۰
	حداقل - حداکثر نمره گویه‌ها	

ابزار گردآوری اطلاعات

برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و هم‌چنین متغیر وابسته پرسشنامه‌ای با ۷۰ سؤال توسط پژوهشگر ساخته شد در نمره‌گذاری این پرسشنامه از روش لیکرت استفاده شده است و نمره‌های هر سؤال از ۱ تا ۶ می‌باشد.

اعتبار^۲ ابزار اندازه‌گیری

برای تأمین اعتبار ابزار، از روش اعتبار صوری استفاده شده است، به این شکل که ابزار سنجش، به صاحب نظران ارائه و نقایص مطرح شده برطرف گردید. هم‌چنین از تکنیک گروه‌های شناخته شده برای تعیین اعتبار محتوایی سئوالات و گویه‌ها نیز استفاده شد.

پایایی^۳ ابزار اندازه‌گیری

پایایی گویه‌ها براساس آزمون آلفا کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ها محاسبه گردید. دامنه آلفا بین صفر تا یک می‌باشد که صفر بیانگر عدم پایایی گویه‌ها و

1- Constructs
2- Validity
3- Reliability

تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
(مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)

یک بیانگر پایایی کامل گویه‌ها را می‌رساند و معیار پذیرش آن $0/6$ است (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۱: ۶۰). که طبق اطلاعات جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود که همه سازه‌های مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند.

جدول شماره (۱): پایایی گویه‌های مربوط به سازه‌های مورد بررسی

مقدار آلفا	میانگین کواریانس	میانگین واریانس	تعداد سئوال	متغیر
۰/۹۰۷	۰/۴۷۵	۱/۱۵۷	۱۴	خشونت دانش‌آموزان
۰/۷۷۲	۰/۸۳۹	۱/۵۷۹	۳	نظارت والدین
۰/۸۴۵	۰/۶۷۱	۱/۶۵۶	۸	دلبستگی به والدین
۰/۷۹۳	۰/۷۶۵	۲/۳۶۲	۸	احساس بی‌عدالتی در مدرسه
۰/۶۲۳	۰/۵۰۷	۱/۴۲۵	۳	مشارکت گروهی
۰/۷۱۵	۰/۵۸۰	۱/۲۷۳	۴	باور به دستورات اخلاقی
۰/۶۵۹	۰/۳۰۲	۱/۰۸۵	۵	تنبیه در مدرسه
۰/۷۰۰۶	۱/۰۸۰	۲/۹۲۶	۵	سخت‌گیری والدین
۰/۸۶	۰/۴۱۷	۰/۹۶۰	۸	بدرفتاری والدین
۰/۶۲۷	۰/۹۷۴	۲/۷۱۱	۳	تضاد والدین
۰/۹۳۶	۰/۷۳۹	۱/۱۹۴	۹	داشتن دوستان بزه‌کار

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای توصیف صفت‌های کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و برای توصیف صفت‌های کیفی درصد محاسبه شد. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از آزمون‌های T^2 پیرسون، تحلیل واریانس و آزمون t مستقل و در نهایت برای تبیین چند متغیری خشونت دانش‌آموزان از روی متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه^۱ استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در مطالعه‌ی حاضر ۴۶/۷٪ از دانش‌آموزان دختر و ۵۳/۳٪ پسر بوده‌اند که میانگین سن آنها $۱۶/۰۶ \pm ۰/۹۵$ سال با حداقل ۱۴ و حداکثر ۱۸ سال بود که ۸۱/۳٪ از دانش‌آموزان مورد مطالعه از طبقه پائین، ۱۲/۵٪ از طبقه متوسط و ۶/۱٪ از طبقه بالای جامعه بوده‌اند.

توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و وابسته

براساس اطلاعات جدول شماره (۲) میانگین میزان نظارت والدین بر رفتار و کردار دانش‌آموزان $۱۵/۹۴ \pm ۶۴/۲۶$ ، دلبستگی به والدین $۱۶/۵۸ \pm ۵۸/۱۱$ ، احساس بی‌عدالتی در مدرسه $۵/۸۱ \pm ۵۸/۸۸$ ، مشارکت گروهی $۱۸/۸۲ \pm ۵۴/۸۵$ ، باور به دستورات اخلاقی در بین دانش‌آموزان $۱۶/۷۷ \pm ۶۱/۶۱$ ، تنبیه دانش‌آموزان $۱۶/۳۴ \pm ۶۹/۱۰۴$ ، سخت‌گیری والدین $۱۷/۷ \pm ۶۳/۶۲$ ، بدرفتاری والدین با فرزندان $۱۶/۰۴ \pm ۶۰/۰۸$ ، تضاد والدین $۱۵/۴ \pm ۶۲/۴۳$ ، داشتن دوستان بزهکار $۱۶/۹۳ \pm ۶۳/۳۷$ ، و میزان خشونت $۹/۴ \pm ۶۵/۳۵$ ، خشونت لفظی $۱۶/۲۴ \pm ۶۹/۲۵$ ، خشونت فیزیکی ملایم $۱۶/۶۷ \pm ۶۲/۴۱$ ، خشونت فیزیکی شدید $۱۵/۹۴ \pm ۶۴/۶۷$ به دست آمده است که توضیحات زیر آن در جدول ذیل گزارش شده است.

تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
(مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)

جدول شماره (۲): توزیع پراکندگی میزان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
نظارت والدین	۳۷۵	۶۴/۲۶۷	۱۵/۹۴۲	۱۸/۰۶	۹۷/۲۲
دلبستگی به والدین	۳۷۵	۵۸/۱۱	۱۶/۵۸	۷/۸۱	۹۲/۴۵
احساس بی‌عدالتی در مدرسه	۳۷۵	۵۸/۸۸۶	۱۵/۸۵۱	۷/۸۱	۹۳/۷۵
مشارکت گروهی	۳۷۵	۵۴/۸۵۷	۱۸/۸۲۶	۷/۸۱	۹۲/۴۵
باور به دستورات اخلاقی	۳۷۵	۶۱/۶۱۷	۱۶/۷۷۵	۱۸/۷۵	۹۶/۲۴
تنبیه دانش‌آموزان	۳۷۵	۶۹/۱۰۴	۱۶/۳۴۸	۱۷/۶۷	۹۶/۶۷
سخت‌گیری والدین	۳۷۵	۶۳/۶۲۹	۱۷/۷۰۴	۱۲/۵	۹۷/۹۲
بدرفتاری والدین	۳۷۵	۶۰/۰۸	۱۶/۰۴۷	۱۹/۹۷	۹۲/۴۵
تضاد والدین	۳۷۵	۶۲/۴۳۵	۱۵/۴۰۹	۱۹/۹۷	۹۲/۷۱
داشتن دوستان بزهکار	۳۷۵	۶۳/۳۷۹	۱۶/۹۳۲	۱۲/۵۰	۹۷/۹۲
میزان خشونت	۳۷۵	۶۵/۳۵	۹/۴۸۳	۲۶/۳۷	۸۸/۴۷
خشونت لفظی	۳۷۵	۶۹/۲۵	۱۶/۲۴	۲۳/۰۶	۹۶/۶۷
خشونت فیزیکی ملایم	۳۷۵	۶۲/۴۱۸	۱۶/۶۷	۱۲/۵۰	۹۷/۹۲
خشونت فیزیکی شدید	۳۷۵	۶۴/۶۷۳	۱۵/۹۴	۱۸/۰۶	۹۷/۲۲

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه شماره یک: بین عوامل اجتماعی و میزان خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

طبق اطلاعات جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود که بین باور به دستورات اخلاقی و میزان خشونت همبستگی معکوس وجود دارد ($r = -0/15$) و بین داشتن دوستان بزهکار و میزان خشونت در دانش‌آموزان نیز همبستگی مستقیم وجود دارد ($r = 0/411$). میزان خشونت براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان نیز طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنی‌دار می‌باشد $F = 10/16$ ، $P = 0/000$ و میزان خشونت در دانش‌آموزان طبقه پائین بیشتر از طبقه متوسط و بالا است.

جدول شماره (۳): همبستگی بین عوامل اجتماعی و میزان خشونت دانش‌آموزان

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
میزان خشونت و باور به دستورات اخلاقی	$r = -0/155$	$P = 0/003$
میزان خشونت و داشتن دوستان بزه‌کار	$r = 0/411$	$P = 0/000$
میزان خشونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی	$F = 10/16$	$P = 0/000$

فرضیه شماره دو: بین عوامل خانوادگی و خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که بین دلبستگی به والدین، نظارت والدین و میزان خشونت دانش‌آموزان همبستگی معکوس و بین سخت‌گیری والدین، بدرفتاری والدین با فرزندان و تضاد والدین با همدیگر و میزان خشونت دانش‌آموزان همبستگی مستقیم وجود دارد.

جدول شماره (۴): همبستگی بین عوامل خانوادگی و خشونت دانش‌آموزان

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
دلبستگی به والدین و میزان خشونت	$r = -0/22$	$P = 0/000$
نظارت والدین و میزان خشونت	$r = -0/38$	$P = 0/000$
سخت‌گیری والدین و میزان خشونت	$r = 0/414$	$P = 0/006$
بدرفتاری والدین	$r = 0/473$	$P = 0/000$
تضاد والدین	$r = 0/14$	$P = 0/007$

فرضیه شماره سه: بین عوامل محیط مدرسه و خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود که بین تنبیه در مدرسه و بی‌عدالتی در مدرسه با میزان خشونت دانش‌آموزان همبستگی مستقیم و با مشارکت گروهی همبستگی معکوس وجود دارد.

تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
(مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)

جدول شماره (۵): همبستگی بین عوامل محیط مدرسه و خشونت دانش‌آموزان

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
تنبیه در مدرسه	$r = 0/135$	$P = 0/009$
بی‌عدالتی در مدرسه	$r = 0/004$	$P = 0/004$
مشارکت گروهی	$r = -0/226$	$P = 0/000$

تبیین خشونت دانش‌آموزان بر اساس متغیرهای مستقل معنی‌دار

به منظور تبیین میزان خشونت در دانش‌آموزان براساس مجموع متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود که در مجموع ۶ متغیر مستقل مهم در شکل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آنها با میزان بروز خشونت برابر $R^2 = 0/72$ با ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/52$ و ضریب تبیین خالص برابر $R^2 = 0/51$ می‌باشند. مقدار به دست آمده از این ضریب بیانگر آن است که حدود ۵۱ درصد از واریانس خشونت دانش‌آموزان توسط متغیرهای مستقل موجود در شکل رگرسیونی تبیین می‌گردد.

هم چنین شکل رگرسیونی تبیین شده براساس آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی است زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان بروز خشونت برابر $F = 65/4$ با سطح معنی‌داری $P = 0/000$ می‌باشد.

جدول شماره (۶): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین میزان خشونت در دانش‌آموزان

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
۱	۰/۴۷۳	۰/۲۲۳	۰/۲۲۱	۸/۳۶۹
۲	۰/۶۶۰	۰/۴۳۵	۰/۴۳۲	۷/۱۴۵
۳	۰/۶۹۷	۰/۴۸۶	۰/۴۸۲	۶/۸۲۶
۴	۰/۷۰۶	۰/۴۹۸	۰/۴۹۳	۶/۷۵۲
۵	۰/۷۱۵	۰/۵۱۱	۰/۵۰۴	۶/۶۷۹
۶	۰/۷۱۸	۰/۵۱۶	۰/۵۰۸	۶/۶۵۰

نتیجه‌گیری

خشونت و جرم به عنوان یک پدیده و مسأله اجتماعی مورد توجه اندیشمندان رشته‌های مختلف قرار گرفته است، هرکدام از آنان این پدیده را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و این موجب دسته‌بندی‌های گوناگون شده است. در این تحقیق بیشتر بر عوامل اجتماعی و محیطی تأکید شده است. طبق نظریه منابع، افرادی که از محرومیت اقتصادی - اجتماعی برخوردارند برای یادگیری رفتار خشونت‌آمیز مستعدترند، نتایج تحقیق نیز حاکی از آن است که در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه رابطه معنی‌داری بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان خشونت وجود دارد. بدین صورت که میزان خشونت در دانش‌آموزان پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین نسبت به دانش‌آموزان پایگاه متوسط و بالا بیشتر است، که این با یافته‌های سامپسون و همکارانش و مشکاتی همخوانی دارد.

با توجه به نظریه کنترل اجتماعی، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان در گرایش آنها به سوی رفتارهای خشن مؤثر می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر نشانگر وجود رابطه معنی‌دار بین نظارت والدین بر رفتار فرزندان و خشونت فرزندان می‌باشد که این همبستگی به صورت معکوس می‌باشد. یافته‌های اخیر بیانگر آن است که اگر نظارت و کنترل کاهش یابد میزان خشونت در دانش‌آموزان افزایش خواهد یافت، که با نتایج تحقیقات اورت و پریک و مک‌کورد مطابقت دارد. طبق دیدگاه نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی از جمله هیرشی، بولبی، کاپلان و رکلس در نظریه‌های خود، دلبستگی فرد در روابط خود با دیگران که از جمله والدین را مطرح کرده‌اند که به عقیده آنها دلبستگی موجب اجتناب فرد از کجروی و خشونت خواهد شد. نتایج تحقیق حاضر نشانگر وجود رابطه معنی‌دار بین عدم دلبستگی به والدین و رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان می‌باشد که اگر این همبستگی و تعلق خاطر به خانواده و والدین در فرد وجود نداشته باشد یا کاهش یابد میزان خشونت در دانش‌آموزان افزایش خواهد یافت، که با تحقیقات بندورا و کروین، سخاوت و رئیسی مطابقت دارد.

بر اساس دیدگاه‌های تضاد اجتماعی علت اصلی خشونت ناشی از نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی است که در آن مردم به دو دسته فقیر و ثروتمند تقسیم می‌شوند. نتایج تحقیق حاضر بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین احساس بی‌عدالتی در مدرسه و خشونت دانش‌آموزان می‌باشد که این همبستگی به صورت مثبت می‌باشد. یعنی دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند در مدرسه نسبت به آنها بی‌عدالتی و احجاف می‌شود، بیشتر رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند، که با یافته‌های ویلکن‌سون و همکارانش همخوانی دارد.

طبق نظریه هیرشی یکی از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی معتقد است که مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و اجتماعی فرد را در ارتکاب به جرم و خشونت باز می‌دارد. نتایج تحقیق نیز حاکی از آن است که در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه رابطه معنی‌داری بین مشارکت گروهی در مدرسه و خشونت وجود دارد. مشارکت گروهی و درگیری در فعالیت‌های فوق برنامه از میزان خشونت دانش‌آموزان به طور محسوسی می‌کاهد.

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی خانواده‌هایی که در آن والدین با هم اختلاف دارند، شیوه‌های تربیتی و انضباطی خشن و خشک داشته، با بچه‌ها بدرفتاری می‌کنند و سخت‌گیر هستند فرزندانشان نیز احتمال بیشتری دارد که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شوند. نتایج تحقیق حاضر نشانگر وجود رابطه معنی‌دار بین سخت‌گیری، بدرفتاری و تضاد و اختلاف در بین والدین و خشونت دانش‌آموزان می‌باشد که این همبستگی به صورت مثبت می‌باشد. یافته اخیر بیانگر آن است که اگر والدین با فرزندان بدرفتاری کنند و سخت‌گیر باشند یا این که با هم اختلاف و نزاع داشته باشند، احتمال بیشتری دارد که فرزندان آنها رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان دهند، که این با یافته‌های اورت و پریک و مک‌کورد مطابقت دارد.

بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود. آنها به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره می‌کنند. ساترلند معتقد است رفتار انحرافی هم چون سایر رفتارهای

اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران آموخته می‌شود. تارد نیز معتقد است که داشتن دوستان بزهکار در جامعه احتمال خشونت فرد را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر نیز بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین دوستان بزهکار و خشونت دانش‌آموزان می‌باشد که این همبستگی به صورت مثبت می‌باشد. یعنی دانش‌آموزانی که دوستان بزهکاری داشتند بیشتر از سایر دانش‌آموزان رفتارهای خشونت‌آمیز دارند، که این نیز با یافته‌های الیوت و مینارد، اورت و پریک و کرل و ولفی همخوانی دارد.

پیشنهادها

پیشنهادهای پژوهشی: در صورتی که محققان بعدی در زمینه خشونت جوانان تمایل به انجام تحقیق و به انجام آن مبادرت ورزند شایسته است که به نکات زیر توجه کنند:

۱- برای موشکافی دقیق‌تر خشونت نوجوانان و جوانان، ابعاد دیگر آن از قبیل خشونت جنسی و خشونت عاطفی نیز بررسی شود.

۲- برای دقیق‌تر بررسی کردن پدیده خشونت نوجوانان بهتر است که فقط یکی از عوامل خانوادگی، اجتماعی، فردی یا محیطی بررسی و مطالعه گردد.

۳- اگر امکانات مالی و زمان اجازه دهد این مسأله به صورت طولی بررسی شود.

۴- پدیده خشونت با روش کیفی و مطالعه‌ی عمیق نیز بررسی شود.

پیشنهادهای کاربردی: با توجه به آن چه که در این تحقیق به دست آمده است برای کاهش و پیشگیری از خشونت نوجوانان شایسته است به موارد زیر توجه گردد:

۱- نظارت خانواده‌ها بر اعمال و رفتار فرزندان خود در داخل و خارج از خانه.

- ۲- برقراری روابط عاطفی با فرزندان؛ چرا که طبق تئوری کنترل هیرشی هرچه دلبستگی فرد به خانواده و دیگران مهم بیشتر باشد، احتمال کمتری دارد که فرد مرتکب جرم و انحراف شود.
- ۳- کاهش تضادهای خانوادگی و به ویژه تضاد والدین با هم.
- ۴- نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در فرزندان، باور به دستورات اخلاقی یک عامل بازدارنده مهم در ارتکاب خشونت می‌باشد.
- ۵- نظارت خانواده بر گروه دوستان فرزندان؛ به عبارت دیگر والدین باید بدانند که فرزندان شان با چه کسانی نشست و برخاست دارند.
- ۶- پرکردن اوقات فراغت فرزندان خود با کارهایی از قبیل کتاب خواندن، پرداختن به کارهای هنری و ورزشی. این امور موجب می‌شوند که هم انرژی اضافی فرد تخلیه گشته و هم این که اوقات بیکاری او پر شوند و در نتیجه فرصت‌های ارتکاب جرم کاهش می‌یابند.
- ۷- با توجه به رابطه مستقیم تنبیه در مدرسه و خشونت دانش‌آموزان توصیه می‌شود که حتی‌الامکان تنبیه از برنامه‌های مدارس برداشته شود و این تفکر در مدرسه حاکم شود که تنبیه دانش‌آموزان مسکنی بیش نیست و نه تنها رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان را کاهش نمی‌دهد بلکه این گونه رفتارها را نیز تشدید می‌کند.
- ۸- معلمان و دیگر مسئولین مدارس با دانش‌آموزان برخورد یکسانی داشته و از هرگونه تبعیض خودداری نمایند. تبعیض و حق‌کشی در مدرسه موجب عقده‌ای شدن فرد گشته و این امر خود تفکر انتقام‌جویی را در فرد به وجود آورده و زمینه بروز خشونت را افزایش می‌دهد.
- ۹- مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیتهای اجتماعی که این امر هم موجب تقویت پیوندهای اجتماعی آنان با افراد بزرگسال و هم عزت نفس نوجوانان و جوانان می‌شود. تقویت پیوندهای اجتماعی و عزت نفس، هر دو خشونت را کاهش می‌دهند.

۱۰- کاهش نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه آحاد جامعه.

منابع

- ۱- رسول‌زاده اقدم، ص. ۱۳۸۱، عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌های تهرانی، پایان‌نامه.
- ۲- رئیس، ج. ۱۳۸۲، جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، شماره ۲۱.
- ۳- سلیمی، ع و دیگری. ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
- ۴- مشکاتی، م و دیگری. ۱۳۸۱، سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲.
- ۵- گیدنز، آ. ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
- ۶- ریتزر، ج. ۱۳۷۷، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۷- احمدی، ح. ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت.
- ۸- قاضی طباطبایی، م. ۱۳۷۱، تکنیک‌های خاص تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- 9- Bessant, Judith, Hil, Richard, Watt, Rob, and Webber, Ruth, 1999, Thinkinj the Problem of Youth Violence and Families, Australian Institute of Criminology.
- 10- 10-Herrenkohl, Todd I; Huang, Bu, and Kosterman, Rick, 2001, a Comparison of Social development Processes Leading to violence behavior in late Adolescence of Childhood Initiators of Violence.
- 11- Reid, Sue Titus, 2000, Crime and Criminology, U.S.A.: McGraw- Hill.
- 12- Siegel, larry J., 2001, Criminology : Theories, Patterns and Typologies, U.S. A.: Wadsorth.